



پرديس بين الملل

گروه حقوق

گرايش خصوصي

# حقوق کودکان معلول

از

مهدي رحمانی

استاد راهنما:

آقای دکتر محمد اسدی نژاد

و

خانم دکتر زهره رحمانی

بهمن ماه ۱۳۹۰

آفاق را گردیده ام

مهر بتان ورزیده ام

بسیار

خوبان دیده ام

اما تو چیز دیگری

نه این قلیل قابل است و نه چون منی سزاوار تقدیم

اما از آن جا که زیباتر است کارهای دنیایی خود

را جهتی الهی ببخشیم تقدیم می کنم به :

ساحت مقدس حضرت ولی عصر

(عجل الله تعالی فرجه الشریف)

با سپاس و قدر دانی فراوان از:

❖ استاد فرهیخته و بزرگوار جناب آقای دکتر سید

محمد اسدی نژاد به پاس راهنمایی های

ارزشمندشان

❖ مدیر محترم گروه حقوق جناب آقای دکتر

ایمانپور

❖ استاد گرامی سرکار خانم دکتر رحمانی

❖ ریاست محترم انجمن مدیران مراکز غیر دولتی

توانبخشی معلولان کشور جناب آقای دکتر

سعدآبادی

❖ اساتید داور که زحمت ارزیابی این پایان نامه را

عهدہ دار شدند

❖ و همسر مهربانم به پاس حمایت و همراهی

دلسوزانه اش

## فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
مقدمه .....	ت.....
1. فصل اول: کلیاتی در باب مفهوم حق کودک .....	۸
۱,۱. مفهوم حق .....	۹
۱,۱,۱. حق از دیدگاه لغوی .....	۱۰
۲,۱,۱. حق از دیدگاه قرآن .....	۱۰
۳,۱,۱. حق از دیدگاه تاریخی .....	۱۱
۴,۱,۱. حق بودن» و «حق داشتن» .....	۱۱
۵,۱,۱. حق از دیدگاه هوفلد .....	۱۵
۶,۱,۱. تلازم میان حق و تکلیف .....	۱۷
۱,۶,۱,۱. صورت اول تلازم حق و تکلیف .....	۱۷
۲,۶,۱,۱. صورت دوم تلازم حق و تکلیف .....	۲۰
۲,۱. مفهوم کودک .....	۲۱
۱,۲,۱. در فقه اسلام .....	۲۳
۲,۲,۱. در حقوق ایران .....	۲۴
۳,۲,۱. در کنوانسیون ها و اسناد بین المللی .....	۲۵
۳,۱. مفهوم معلولیت .....	۲۷
۱,۳,۱. تعریف اعلامیه مربوط به حقوق معلولان .....	۲۷

۲۷	.....	تعریف کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت	۲,۳,۱
۲۹	.....	انواع معلولیت	۳,۳,۱
۳۱	.....	علل معلولیت	۴,۳,۱
۳۲	.....	<b>فصل دوم: کودکان معلول و وضعیت حقوقی آنها در منابع مختلف</b>	
۳۷	.....	۱,۲. حقوق کودک در اسناد بین المللی	
۳۷	.....	۱,۱,۲. اعلامیه حقوق کودک	
۴۰	.....	۲,۱,۲. کنوانسیون حقوق کودک	
۴۴	.....	۱,۲,۱,۲. بررسی حقوق کودکان معلول مندرج در کنوانسیون حقوق کودک	
۴۴	.....	• حق شرکت فعال در جامعه	
۴۴	.....	• حق حمایت ویژه	
۴۴	.....	• حق بهره مندی از مراقبت های ویژه	
۴۴	.....	• حق دسترسی به تعلیم و تربیت	
۴۵	.....	• حق دریافت خدمات توانبخشی	
۴۵	.....	• حق اشتغال	
۴۷	.....	۳,۱,۲. کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت	
۴۸	.....	۱,۳,۱,۲. بررسی حقوق کودکان معلول مندرج در کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت	
۴۸	.....	• حق احترام به ظرفیتهای قابل تحول کودکان دارای معلولیت	
۴۸	.....	• حق بهره مندی از حقوق بشر و آزادی های بنیادین	
۴۸	.....	• عدم تبعیض	
۴۸	.....	• حق آزادی بیان و ابراز عقیده	
۴۸	.....	• حق آزادی تردد و تابعیت	
۴۸	.....	• حق برخورداری از خانه و خانواده	
۴۹	.....	• حق آموزش	
۴۹	.....	• حق مشارکت در زندگی فرهنگی، تفریح، فراغت و ورزش	
۵۰	.....	۲,۲. حقوق کودک معلول در قوانین و مقررات ایران	
۵۶	.....	۳,۲. مقایسه تطبیقی حق آموزش کودکان معلول در اسناد بین المللی و قانون داخلی ایران	
۵۸	.....	<b>فصل سوم: وظایف نهادهای دولتی در زمینه حمایت از حقوق کودک معلول و نظارت بر عملکرد آنها</b>	
۶۱	.....	۱,۳. وظایف نهادهای دولتی	

- ۱،۱،۳. تعهدات عمده دولت های عضو کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت ..... ۶۲
- ۲،۱،۳. دستگاه‌های مرتبط با مواد قانون جامع حمایت از حقوق معلولان به تفکیک هر ماده ..... ۶۵
- ۳،۱،۳. وظایف سازمان بهزیستی کشور ..... ۶۷
- ۲،۳. نظارت بر عملکرد نهادهای دولتی ..... ۶۸
- ۱،۲،۳. کمیته حقوق کودک ..... ۶۸
- ۲،۲،۳. کمیته حقوق معلولان ..... ۷۳
- ۱،۲،۲،۳. نظام گزارش دهی به کمیته حقوق معلولان ..... ۷۳
- ۲،۲،۲،۳. نظام رسیدگی به شکایات فردی از سوی کمیته حقوق معلولان ..... ۷۳
- ۳،۲،۳. صندوق کودکان سازمان ملل متحد (unicef) ..... ۷۵
- ۴،۲،۳. نهادهای ملی حقوق بشر ..... ۷۷
- ۵،۲،۳. سازمان های غیر دولتی ..... ۸۰
- نتیجه گیری ..... ۸۳
- پیوست ها ..... ۸۶
- کنوانسیون حقوق کودک ..... ۸۷
- کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت ..... ۱۰۲
- جدول ها و نمودارهای آمار کودکان معلول در کشور ..... ۱۲۱
- أ. منابع فارسی ..... ۱۴۱
- ب. منابع عربی ..... ۱۴۳
- ج. منابع اینترنتی ..... ۱۴۴

## چکیده:

تمام ادیان آسمانی و مکتب های اخلاق دنیا همواره در تلاش بوده اند تا با احترام نسبت به حقوق کودکان، شور و نشاط و سلامت و آینده انسان را تضمین کنند. از همین رو در سالیان اخیر سعی گردیده است به این نگرش، جنبه قانون و قراردادی نیز داده شود. کنوانسیون حقوق کودک معروفترین سند در این باره است که جمهوری اسلامی ایران نیز با تصویب مجلس شورای اسلامی به آن پیوسته است و طبق ماده ۹ قانون مدنی، اسناد الزام آور بین المللی در حکم قانونند.

ماده ۲۳ این کنوانسیون در مورد حقوق کودکان معلول می گوید: «حکومتها اعلام می دارند که اگر یک کودک دارای نقص بدنی یا عقلی است، باید در عین معلولیت خودش، یک زندگی شایسته انسانی داشته باشد. زندگی ای که در آن، حیثیت او محفوظ باشد و شرکت فعال و مستقل او در زندگی جمعی تسهیل گردد.» و نیز «حکومتها اعلام می کنند که کودک معلول، دارای حق حمایت ویژه دولتی است و باید تا حد ممکن، برای آن کودک و والدین و یا سرپرست او امکانات مناسب را فراهم نمود.»

بررسی حقوق کودک معلول مبحثی است که ضرورت دارد به طور اختصاصی به آن پرداخته شود، بررسی وضعیت حقوق کودکان معلول در اسناد بین المللی و قوانین داخلی روشن می سازد که قوانین حمایت از کودکان معلول تا چه اندازه روند اجرایی شدن را طی نموده است.

## واژگان کلیدی:

حقوق کودک، کودکان معلول، کنوانسیون حقوق معلولان



## **Abstract**

*All religions and human ethics, Dashtnd effort to respect children's rights, health and vitality and to guarantee the future of man. So we tried this approach in recent years, the. And contract law is also given. CRC is known about the Islamic Republic of Iran has joined with the approval of Parliament and in accordance with Article 9 of the civil law, binding international instruments in the Qanvnd.*

*Article 23 The Convention on the Rights of Children with Disabilities, said: "The government stated that if a child ends with physical or mental defect, you should at his handicap, be a decent human being. The life, dignity, he is reserved and independent, and active participation in community life is facilitated. "And" the government announced that children with disabilities, the government has a right to special protection and should be possible for the child and his parent or guardian shall provide adequate facilities"*

*Check ing Of disabled children's rights issue needs to be addressed specifically,. Check the status of disabled children's rights in international instruments and domestic law makes clear that how the administrative process has become in Laws protecting children with disabilities..*

## **Keywords:**

*Children Rights , the disabled children, International Convention on the Rights of Disabled Persons*

حضرت علی(ع) در فراز هفتم عهدنامه ای که به مالک اشتر نگاشته اند اینگونه می‌فرماید: الله الله [ای مالک اشتر تو را به عنوان مدیر ارشد جامعه هشدار می‌دهم] درباره طبقه زمین گیران و معلولین، پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این جامعه معین فرموده است. بخشی از بیت المال و بخشی از غله های زمین های غنیمتی اسلام را در هر شهری به معلولین و محرومین اختصاص ده. همواره به فکر مشکلات آنان باش و از آنان روی برمگردان.(نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر، فراز هفتم)

رهبران دین مبین اسلام از قرن ها پیش به فکر برقراری عدل در میان همه مردم بوده اند ، معلولان نیز طبقه ای از اجتماع هستند که نیازمند توجه و رسیدگی بیشتری می باشند، و از میان این دسته کودکان به سبب ناتوانی در احقاق حقوق خود به توجه بیشتری نیاز مندند به راستی که اگر چنین دیدگاهی در جوامع انسانی فراگیر شود، و اگر به آسایش و رفاه و سلامت جسمی و روحی کودکان معلول توجه بیشتری شود، دنیای زیباتری خواهیم داشت، دنیایی که کودکان بزرگ شده‌اش، آن قدر بزرگ باشند که کودکی را جدی بگیرند.

در پایان نامه حاضر قصد آن داریم که حقوق کودکان معلول را مورد بحث و بررسی قرار دهیم. بررسی حقوق کودک معلول مبحثی است که ضرورت دارد به طور اختصاصی به آن پرداخته شود.

## بیان مسأله

موضوع حقوق کودکان دارای ناتوانی و معلولیت از جمله چالش های مهم و مورد توجه در سال های اخیر بوده است، اولین بار در سال ۱۹۲۴ میلادی (۱۳۰۲) در اعلامیه حقوق کودک به حقوق کودکان عقب مانده ذهنی اشاره شده است و سپس در سال ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر در سازمان ملل به تصویب رسید که اشاره به مواردی از حقوق معلولان نیز داشت و آنگاه در سال ۱۹۵۹ در اعلامیه حقوق کودک مجمع عمومی سازمان ملل، به حقوق کودکان معلول اشاره شده است . در سال ۱۹۷۱، اعلامیه جهانی حقوق افراد مبتلا به عقب ماندگی ذهنی و در نهایت در سال ۱۹۷۵، اعلامیه حقوق افراد دارای معلولیت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. به دنبال این اعلامیه‌ها در سال ۱۹۸۹ (۱۳۶۸) کنوانسیون حقوق کودک به صراحت حقوق کودکان دارای معلولیت را مطرح نموده‌است. در خلال تصویب این اعلامیه‌ها، سال ۱۹۸۱ به عنوان سال جهانی معلولان و فاصله سالهای ۱۹۸۳-۱۹۹۲ به عنوان دهه جهانی معلولان و فاصله سال‌های ۱۹۹۳-۲۰۰۲ به عنوان "دهه معلولان آسیا و اقیانوسیه" نامیده شده است که دستور العمل‌های ویژه‌ای را برای افراد دارای معلولیت به کشورهای عضو پیشنهاد کرده است.

در ایران. در مجلس ششم (۱۳۸۲) قانون جامعی برای به رسمیت شناختن حقوق معلولان تصویب گردید و از سال ۱۳۸۳ سازمان بهزیستی کشور اجرایی شدن آن را در دستور کار قرار داده است.

مهمترین اقدامات انجام شده در رابطه با حقوق کودک تصویب اعلامیه حقوق کودک در سال ۱۹۲۴ و تصویب "کنوانسیون حقوق کودک" در ۱۹۸۹ برای همه کودکان جهان بوده است. برای کودکان معلول هر چند مواردی که به صراحت تمام نام برده شده باشد موجود نیست، لیکن اعلامیه "حقوق عقب مانده ذهنی" در سال ۱۹۷۱ و اعلامیه "حقوق معلولان" در سال ۱۹۷۵ و نیز ماده ۲۳ "کنوانسیون حقوق کودک" از جمله موارد مهمی است که به این

موضوع پرداخته است. مصوبه "قوانین استاندارد برای معلولان" در سال ۱۹۹۳ نیز راهکار مناسبی برای پرداختن به موضوع حقوق کودکان معلول می باشد. تلاشها برای تصویب "کنوانسیون حقوق معلولان" که می تواند ضمانت اجرایی مناسبی از سوی دولت ها داشته باشد، تا سال ۲۰۰۷ ادامه داشت تا اینکه در ۳۰ مارس همان سال پیش نویس آن به تأیید کشورهای سازمان ملل رسید.

### ضرورت تحقیق

مسأله حمایت از افراد دارای معلولیت در کشورهای در حال توسعه مانند ایران که هنوز شاخص‌های کمی و کیفی توسعه در مراحل اولیه پیشرفت قرار دارد و به خصوص در کشورهایی که سازمان بهداشت جهانی اذعان می نماید بیش از دو سوم کل معلولان جهان در آنها زندگی می کنند، اهمیت بیشتری می یابد، این مسأله برای کشور ما از این جهت که سال ها درگیر جنگ بوده، اهمیت مضاعف یافته است. این امر بر شمار سایر معلولان ژنتیکی و عارضی (در نتیجه عوامل خارجی غیر از جنگ مانند وقوع بلایای طبیعی مثل زلزله) افزوده است. شناخت وضعیت کودکان و نوجوانان معلول ضرورتی دوچندان دارد. چراکه به خاطر نیازهای متفاوت روحی و جسمی این سنین، توجه به آموزش و بهداشت و تفریحات آنان اهمیت بسیار دارد و برنامه‌ریزی کلان در این زمینه نیازمند آمار دقیق است.

همه افراد جامعه حق داشتن فرصت‌هایی برابر در زندگی را دارند. شناخت کامل و رسیدگی سریع به وضعیت کودکان معلول، گام مهمی است برای دستیابی به این هدف و بنای آینده‌ای بهتر.

### سؤالات تحقیق

سؤال هایی که ذهن نگارنده را به خود مشغول کرده بود عبارتند از:

- ا. مبنای حقوق لاینفک و مساوی کودکان معلول به عنوان عضوی از جامعه بشری چیست؟
- ب. آیا در نظام حقوقی ما، کودکان معلول بدون هیچگونه تبعیضی از تمامی حقوق و آزادیهای مندرج در اسناد بین المللی و قانون اساسی ج.ا.ا. برخوردارند
- ج. نظام حقوقی ما جهت تحقق برابری کامل بین کودکان معلول با سایر افراد و بهبود وضعیت آنها با چه موانعی روبروست؟
- د. سازوکارهای لازم به منظور پیشگیری از نقض حقوق معلولین کدامند؟

### فرضیه های تحقیق

- ا. تبعیض در مورد هر شخص بر اساس معلولیت او، برخلاف ارزش و کرامت ذاتی اوست.
- ب. کودکان معلول می بایست از همه حقوق انسانی و آزادیهای اساسی، بدون هیچ تبعیضی از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و سایر ملاحظات ملی، برابر با سایر کودکان برخوردار باشند.
- ج. هرگونه ادعایی خلاف اصل برابری نیازمند اثبات بوده و بار اثبات بر عهده مدعیان نابرابری است

### پیشینه تحقیق

در مورد پیشینه این تحقیق ذکر این نکته ضروری است که اغلب تحقیق‌های صورت گرفته در این زمینه به حقوق کودک به صورت عام مرتبط می‌باشد و در برخی موارد نیز به حقوق معلول پرداخته شده است. اما در مورد حقوق کودک معلول تحقیق جامعی صورت نگرفته است.

## اهداف تحقیق

عمده حمایت‌هایی که در چارچوب اسناد بین‌المللی از افراد دارای معلولیت صورت گرفته، به جز اسناد عامی که حقوق بشر کلیه افراد را مورد شناسایی قرار داده‌اند و به ویژه کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ به عنوان تنها سند لازم‌الاجرا که مشخصاً حقوق کودکان دارای معلولیت را مورد توجه قرار داده است در سایر موارد عمدتاً در قالب قطعنامه و اعلامیه است. البته کنوانسیون‌هایی که طی سال جاری میلادی به تصویب رسیده از سوی دولت‌ها با اقبال خوبی مواجه شده. منتها اجرایی شدن یا نشدن آن را باید در آینده مشاهده کرد چنان که گفته شد اسناد مذکور، ابزارها و راهکارهای مناسبی را جهت شناسایی موانع و بهبود وضعیت معلولان و نهایتاً تحقق آرمان عدالت اجتماعی، ارائه داده‌اند و چنانچه این راهکارها به صورت یک قاعده بین‌المللی از طرف تعداد زیادی از کشورها به مورد اجرا گذاشته شوند، می‌توانند شکل عرف بین‌المللی را به خود بگیرند. مهم‌ترین دستاورد این اقدامات بین‌المللی را در کشورمان می‌توان در قالب قوانین و مصوبات مختلف و به خصوص قانون جامع حمایت از معلولان و نیز قانون ساختار وزارت رفاه و تامین اجتماعی مشاهده کرد. با اینکه این قوانین دارای نقایص زیادی هستند و در راه اجرای شان با چالش‌های متعددی مواجه هستند، لیکن این حرکت‌ها می‌تواند زمینه خوبی برای اتخاذ اقدامات بیشتر در جهت حمایت از افراد دارای معلولیت در آینده باشد. هدف اصلی این پایان‌نامه بررسی قوانین حمایت از کودکان معلول و روند اجرایی شدن آنها می‌باشد.

## روش تحقیق

روش تحقیق در این پایان‌نامه توصیفی-تحلیلی است و سعی شده با بهره‌گیری از اسناد و نظرات نهادهای بین‌المللی حقوق بشر به ویژه نظریات عمومی کمیته حقوق کودک در زمینه حقوق کودکان، کنوانسیون جهانی حقوق کودک و نیز قانون جامع حمایت از معلولان، برای بررسی این موضوع روش کتابخانه‌ای (فیش برداری) برای گردآوری اطلاعات در نظر گرفته شد و با کمک منابع و مآخذ مربوط، فصل‌های زیر برای پایان‌نامه حاضر در نظر گرفته شد:

**فصل اول** کلیاتی در باب حقوق کودک را شامل می‌شود، یعنی تعریف مفاهیم حق، کودک و معلولیت.

**فصل دوم** به بررسی وضعیت حقوقی کودکان معلول در اسناد بین‌المللی و قوانین و مقررات ایران می‌پردازد.

**فصل سوم** که فصل پایانی به شمار می‌رود در مورد وظایف نهادهای دولتی در رابطه با حمایت از حقوق کودکان معلول و نظارت بر عملکرد آنهاست.

شایان ذکر است در رابطه با نحوه تحقیق در این فصل، از آنجا که فعالیت‌های صورت گرفته نهادهای دولتی تا حال حاضر مد نظر نگارنده بوده است بنابراین بهترین منبع برای نیل به این هدف یاری گرفتن از منابع اینترنتی در

این زمینه بود و هر جا که مطلبی از وبگاه خاصی استفاده شده، لینک نشانی دقیق آن مطلب به طور کامل آورده شده است.

نیز ذکر این مطلب خالی از لطف نیست که برای اطلاع از فعالیت‌های صورت گرفته در زمینه اجرای قوانین و مصوبات حمایت از کودکان معلول در سازمان بهزیستی کل کشور روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۲ طی ملاقاتی حضوری، مصاحبه ای با رییس انجمن مدیران مراکز غیر دولتی توانبخشی معلولان کشور جناب آقای دکتر سعید سعدآبادی صورت گرفت.

به دلیل ارجاع زیاد به کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون حمایت از افراد دارای معلولیت در پایان نامه برای تسهیل در کار خوانندگان پیوستی از این دو کنوانسیون در انتهای پایان نامه ضمیمه شده است.

تمرکز اصلی موضوع پایان نامه بر کودک معلول، نگارنده را بر آن داشت تا به آمار دقیق کودکان معلول کشور دست پیدا کند، از آنجا که سرشماری عمومی نفوس و مسکن یکی از عمده‌ترین راه‌های شناخت کشورها از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی برای برنامه ریزی، نظارت و ارزیابی خدمات و فعالیت‌های ملی است، به منظور اطلاع از این آمار به وبگاه مرکز آمار ایران مراجعه شد و آمار کل معلولان بر اساس آخرین آمار موجود در مرکز (سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵)<sup>۱</sup> دریافت گردید؛ این آمار در برنامه نرم افزاری اکسل در دسترس بود که از میان آن، آمار کودکان معلول\_ که به استناد ماده ۱ کنوانسیون جهانی حقوق کودک تا ۱۸ سال در نظر گرفته شده است\_ تفکیک شده و در نهایت آمارها در برنامه ورد و در نمودارهای ستونی تنظیم شدند؛<sup>۲</sup> ترتیب آوردن آمار به این صورت است: بر حسب تعداد معلولیت، بر حسب جنس، سن و نوع، آمار به تفکیک استانها و از میان استانها به طور خاص استان گیلان و برخی از شهرستانهای آن.

جداول مذکور نیز برای علاقه‌مندان به اطلاع از آمار دقیق کودکان معلول در کشور، در بخش پیوست پایان نامه آمده است.

منابع پایان نامه در ۳ قسمت کتاب‌های فارسی، عربی و منابع اینترنتی ارایه گردیده است، ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که منابع فارسی و عربی بر اساس نام خانوادگی نویسنده مرتب شده است، در منابع اینترنتی نیز ترتیب بر اساس الفبای انگلیسی است.

پایان نامه حاضر می‌تواند به عنوان نقطه عطفی در زمینه اطلاع از کارهایی که تاکنون در مورد حقوق کودک انجام شده است باری از دوش پژوهندگان و دانشجویانی که در این رشته تحقیق می‌کنند بردارد، و نیز زیر بنایی

---

<sup>۱</sup> امروزه در اغلب کشورها سرشماری‌های نفوس به فاصله‌ی ۵ یا ۱۰ سال بار به مرحله‌ی اجرا در می‌آید. در جمهوری اسلامی ایران نیز سرشماری عمومی نفوس و مسکن مطابق ماده‌ی ۴ قانون مرکز آمار ایران، هر ده سال یک بار با فرمان رئیس جمهوری اجرا می‌شود. این سرشماری در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ منطبق با جدیدترین روش‌های علمی انجام شده و در آبان سال ۱۳۸۵ نیز به مرحله اجرا درآمد (<http://www.amar.org.ir/nofoos>).

<sup>۲</sup> در تنظیم جدولها و نمودارها مساعدت‌های ارزشمند دوست عزیز جناب آقای قبادی شامل حال بنده بود، که بی شک ذکر نام ایشان در این مجال تنها عبارت "مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ" را به نگارنده‌ی حقیر یادآوری می‌کند.

باشد تا مشخص شود دولت‌ها تا چه حد به اجرایی شدن برنامه های جهانی در رابطه با حمایت از حقوق کودک معلول اقدام کرده اند.

آنچه در یک نگاه داخلی به موضوع حقوق معلولان، در ادبیات قانون گذاری ایران می توان مطرح کرد، تنها خلاء قانونی مشکل فراروی معلولان نیست بلکه طراحی نظام جامعی که دستیابی به رفاه اجتماعی را برای این قشر به ارمغان آورد و(صرفاً ارائه خدمات خاصی به معلولان را در دستور کار قرار نداده باشد) باید مد نظر قرار گیرد. امید است که این پایان نامه مورد توجه و استقبال کلیه دانشجویان و پژوهندگان رشته حقوق واقع گردد و نیز برای دیگر علاقه مندان به تحقیق در این زمینه انگیزه ای باشد تا در مورد تسریع در روند اجرایی شدن حقوق کودک معلول در میهن اسلامیمان به تحقیق و پژوهش و ارائه طرح های پیشنهادی مثمرتر بپردازند.

و من الله التوفیق

مهدی رحمانی

بهمن ماه ۱۳۹۰

فصل اول: کلیاتی در باب مفهوم حق کودک

## ۱.۱. مفهوم حق

اعتقاد صحیح بر این است که حق، منحصر به بخش خاصی از زندگی نیست بلکه عرصه‌های مختلف زندگی از جمله: روابط اخلاقی و حقوقی فرد با خانواده و جامعه و نیز روابط گسترده سیاسی افراد با هم، با حاکمان و در سطح بین‌المللی را در بر می‌گیرد. با این حال، تعیین درست مصادیق حق در حوزه‌های گسترده فوق، متوقف بر حل مسائل مختلفی پیرامون آن است؛ مسائلی مانند: معنای حق و چیستی آن، منشأ حق، اعتبارکنندگان حق و نیز تلازم حق و تکلیف. به جدّ می‌توان مدعی شد که بدون حل این امور اساسی و مبنایی، بسیاری از مباحث ناظر به مسئله «حق» در علوم سیاسی، اخلاق و حقوق پاسخ درست خود را نمی‌یابد. این مسائل بنیادی امروزه در علمی جدید به نام «فلسفه حق» مورد بحث قرار می‌گیرد.

انسان در عصر حاضر با اعتقاد به اومانیزم و التزام کامل به آن، در مقام عمل تنها در پی تأمین نیازهای مادی و دنیوی خویش است. او پذیرفته است که سکولاریسم (دنیا محوری) باید محور غالب معرفت‌های نظری و عملی باشد. از این رو، در صدد است که دنیای خود را مطابق آنچه که خود می‌پسندد، بسازد.

نفوذ سکولاریسم در ابعاد مختلف حیات بشر امروزی، موجب گردید که انسان خود را مالک خود و همه موجودات عالم بداند؛ بدین جهت، خود را در تصمیم‌گیری‌های جریان زندگی خویش و نیز در تصرف نظام هستی صاحب حق بداند. به بیان دیگر انسان‌مداری به این امر منجر می‌شود که هر انسانی حق دارد تا سبک زندگی خود را تعیین کند؛ انسان با اراده آزاد و بنا بر میل خود تصمیم می‌گیرد که چه غذایی را بخورد، چه آشامیدنی‌هایی را بیاشامد، چه نوع لباسی را بپوشد، و حتی خود اوست که نحوه خاصی از مردن را برای خود بر می‌گزیند.

در این نوع نگرش، انسان در زندگی خویش تنها صاحب حق است نه صاحب مسئولیت. اعتقاد بارز چنین تفکری آن است که هیچ‌گونه تکلیفی را نباید پذیرفت؛ چراکه عصر تکلیف به سر آمد و عصر جدید، عصر حق است. به سخن دیگر، انسان مدرن تنها به دنبال گرفتن حقوق خود به نحو کامل است و خود را نسبت به هیچ موجودی حتی خداوند مکلف نمی‌داند. نکته پیوند چنین رویکردی با قانون‌گرایی این است که او تنها تکالیفی را قبول دارد که خودش، آن هم برای تأمین بهتر حقوق خود، وضع کرده باشد.

در مقابل، این نگاه دنیاگرایانه و انسان‌مدارانه اندیشه آسمانی و حیات‌بخش اسلام قرار دارد که با تدبیر حکیمانه الهی، حق‌هایی را برای انسان در جهت نیل به کمالات حقیقی و قرب الهی در کنار حفظ و تعالی زندگی اجتماعی مطرح ساخته است. آموزه اسلام، یک جانبه‌نگر نبوده و انسان‌ها را تنها دارای حق بدون پذیرش تکلیف نمی‌داند. بلکه در کنار تعیین حقوق، وظایف و مسئولیت‌هایی نیز برای انسان در نظر گرفته است. در اندیشه اسلامی مسئله حق‌خواهی، ایستادن در مقابل متجاوزان به حق و مبارزه با ظلم امری ارزشی و مایه عزت است. از سوی دیگر، پیشوایان دینی بر این امر اصرار ورزیده‌اند که هر شخصی موظف است حق دیگران را بپردازد حتی این مسئله اگر منوط به قصاص باشد نباید در ادای حق دیگران از جان و مال و اعضا و جوارح خود دریغ ورزد. چنین تکلیفی نشان از اهتمام دین اسلام به حقوق دیگران است.



با نگاه اسلامی مشخص می‌شود که چگونه مسئله حق و حق‌خواهی در دنیای معاصر دچار انحرافات عظیمی شده است؛ از جمله مطرح کردن حق‌های بی‌اساس در میان جوامع انسانی و عدم توجه به تلازم حق و تکلیف. رهایی از چنین انحرافی، نیازمند تبیین مسئله حق در عرصه هم‌اندیشی اندیشمندان اسلامی و غیر اسلامی است. در قسمت بعدی به تفکیک به بررسی مسأله حق از دیدگاه لغوی، قرآنی و تاریخی اشاره خواهیم کرد و سپس به تقسیم بندی هوفلد در زمینه حق خواهیم پرداخت.

### ۱.۱.۱. حق از دیدگاه لغوی

حق در لغت به معانی مختلف به کار رفته است، از جمله: درستی، ثبوت، صدق، وجوب، شایسته، امر مقضی، یقین بعد از شک، حزم، رشوه، احاطه، مال، قرآن، خصومت، نصیب و بهره، حکم مطابق با واقع که به این معنا بر اقوال، عقائد و ادیان و مذاهب - از آن جهت که مشتمل بر اقوال و عقائد هستند - اطلاق می‌شود و در مقابل آن، باطل قرار دارد. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۰: ص ۴۹؛ الجوهری، ۱۳۹۹، ج ۴: ص ۱۴۶۰ و ۱۴۶۱؛ الفیروز آبادی، ۱۴۱۲، ج ۳: ص ۳۲۲ - ۳۲۳؛ الراغب الاصفهانی، ۱۳۶۲: ص ۲۵). کلمه "حق" در زمینه های مختلف فلسفی، فقهی، حقوقی و سیاسی کاربردهای گوناگونی دارد؛ در اینجا مراد از حق معنایی است که شامل اصطلاحات فقهی، حقوقی و سیاسی است، یعنی به معنای امتیاز یا اختصاص است که چیزی برای یک موجود ثابت می‌شود. (انیس و دیگران، ۱۳۷۲: ۱ - ۲: ۷۹۵)

### ۲.۱.۱. حق از دیدگاه قرآن

کلمه حق ۲۲۷ بار در قرآن آمده است و در رأس همه آنها ذات اقدس الله (جل جلاله) قرار گرفته که خود را به عنوان حق معرفی کرده و فرموده است: "ذلک بأن الله هو الحق" و... "؛ ضمیر "هو" که در آیه دلیل بر انحصار است یعنی تنها ذات اقدس اوست که "حق بالذات" است و بقیه "حق بالغیر" هستند؛ در مورد رسول مکرمش فرموده است: "انا أرسلنا بالحق،... "؛ درباره دینش فرموده است: "هو الذی أرسل رسولاً بالهدی و دین الحق... "؛ راجع به روز قیامت فرموده ذلک الیوم الحق و... "؛ "والوزنُ یومئذ الحق... "؛<sup>۵</sup>

۱. حج/۶

۲. بقره/۱۱۹

۳. توبه/۳۳

۴. نبأ/۳۹

۵. اعراف/۸

تمام کائنات از آن نظر که مخلوق و مصنوع ذات حق هستند، و در حد خودشان نیز حق‌اند از این رو خداوند تعالی می‌فرماید: "وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ...<sup>۱</sup>" "ما آسمانها و زمین را و آنچه که در بین آنهاست، جز به حق نیافریده‌ایم..."

از آفرینش همه پدیده‌ها هدف و غایتی منظور است بنابراین وقتی انسان فهمید که در داخل نظامی که سراسر حق است قرار گرفته می‌فهمد که وجود خود او نیز حق است و هدفی از خلقتش در نظر گرفته شده که حق است و آن حق برنامه‌ای است که باید آن را در زندگی به کار ببرد تا به هدف و مقصود مورد نظر برسد

### ۳.۱.۱. حق از دیدگاه تاریخی

از حیث تاریخی در دوران کلاسیک تقریباً هیچ اهمیتی به مفهوم حق داده نشده است؛ مفهوم حق که اول بار توسط «ویلیام اهل اوکام»<sup>۲</sup> در قرن چهاردهم میلادی به طور روشن تعریف شد تا انتهای سده شانزدهم از وضوح و شفافیت کاملی برخوردار گردید و یکی از اصطلاحات محوری گفتمان اخلاقی و سیاسی شد. طی سده‌های هفدهم و هجدهم «حق» به شعاری انقلابی تبدیل شد و امروزه قدرت شعاری و سیاسی این مفهوم، عامل مهمی در هر دو صحنه داخلی و بین‌المللی می‌باشد. در هر حال این امر را نمی‌توان انکار نمود که مفهوم حق در سیر تاریخی اش ابتدا به معنای «حقوق انتخابی»<sup>۳</sup>، حقوق مربوط به حوزه‌های آزادی شخصی و حاکمیت به کار رفته است و این کاربرد نسبت به «حقوق رفاهی»<sup>۴</sup> از تقدم تاریخی برخوردار است (گلدینگ، ۱۳۸۱: ص ۱۹۸-۱۹۶)

در ادامه به مفهوم حق بودن و حق داشتن اشاره ای خواهیم داشت.

### ۴.۱.۱. حق بودن و «حق داشتن»

یکی از مهمترین نکات در تاریخ پیدایش مفهوم و پدیده حق، مربوط به تفکیکی می‌شود که میان دو مفهوم «حق بودن» و «حق داشتن» پدیدار شده است. در مطالعات حقوقی لازم است به تفاوت مفهوم «حق بودن» و «حق داشتن» توجه شود.

#### أ. حق بودن (*to be Right*)

معنای «حق» در ترکیب «حق بودن»، در مقابل «باطل» قرار دارد. هنگامی که ما از «حق بودن» یک اعتقاد، فکر، سخن یا عمل بحث می‌کنیم، بسته به اینکه بحث جنبه دینی، فلسفی، اخلاقی یا سیاسی داشته باشد، منظور

۲. *william of ockham*

۳. *option Rights*

۴. *welfare Rights*

متفکران دینی یا فیلسوفان و یا نظریه پردازان اخلاقی یا سیاست از «حق بودن»، «راست بودن» «درست بودن»، «خوب بودن» و «سزاوار بودن» است: همان چیزی که ما از مفهوم «حقانیت» می فهمیم. وقتی ما از منظر دین یا اخلاق، یک سلسله افکار، اقوال و اعمال، را مورد توجه قرار می دهیم، نمی توانیم آنها را مورد تأیید قرار دهیم. زیرا برخی افکار، اقوال و اعمال، چنان پوچ و مردودند که نه تنها دین یا اخلاق بر آنها صحنه نمی گذارد، عقل سالم نیز آنها را مورد پذیرش قرار نمی دهد. وقتی هم که می گوئیم عقیده یا عملی حق است یعنی از نظر عقل یا اخلاق یا دین خاص، صحیح و مورد تأیید است. بر این اساس، «حق بودن» یا «حق نبودن» هر چیز، ملاک پذیرش یا رد آن چیز خواهد بود و نوعی ارزش گذاری است. البته در اینکه چه چیزی حق، درست و خوب و چه چیزی باطل، نادرست و بد است، چه بسا اختلاف نظر وجود داشته باشد اما این اختلاف نظر در معنای «حق بودن» تأثیری نخواهد گذاشت. (جوان آراسته، ۱۳۸۴: ص ۳۲ و ۳۳) در واقع حق در چنین معنایی در حوزه مربوط به ارزش (خوبها و بدها) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و حق بودن در معنای ارزشی آن به معنای «خوب بودن» است. (گلدینگ، ۱۳۸۱: ص ۱۸۶-۱۸۴)

#### ب. حق داشتن (to Have Right)

ترکیب «حق داشتن» به معنای دارا بودن یک امتیاز، اختیار، صلاحیت یا قدرت است: یعنی آنچه برای یک فرد یا گروه یا جامعه به رسمیت شناخته شده است. در کاربردهای حقوقی، همین معنا از حق، مورد توجه قرار می گیرد. وقتی از «حق داشتن آزادی بیان» سخن می گوئیم، ما به محتوای بیان، یعنی درست بودن یا نادرست بودن، خوب بودن یا بد بودن، نظری نداریم، آنچه مورد نظر است به رسمیت شناختن آزادی فرد در گفتن یا نگفتن چیزی است که در ذهن دارد. چه بسا آنچه یک فرد بیان می دارد به لحاظ اخلاقی یا دینی، خطا، مذموم و نادرست باشد. اما معنای «حق داشتن آزادی بیان» - با رعایت حدودی که در هر نظام حقوقی برای آن در نظر گرفته می شود- حق گفتن مطالبی است که محتوای آن ممکن است حق (صحیح و درست) یا ناحق (باطل و نادرست) باشد. اگر ما فرد را به بیان چیزی ملزم کنیم که آن را صحیح می دانیم در واقع آزادی بیان را از او سلب نموده‌ایم.

اینک اهمیت تمایز میان «حق بودن» و «حق داشتن» روشن می‌گردد. در عالم حقوق به طور عام و در حقوق اسلام به طور خاص، پذیرش یک سلسله حقوق برای انسانها، هیچ گاه به معنای پذیرش حقانیت آنها به طور مطلق نبوده و نیست. «حق داشتن» همواره «حق بودن» نمی باشد. آزادی اندیشه و تفکر حقی است برای انسان (در معنای حق داشتن) اما می دانیم که هر اندیشه‌ای، حق نیست (معنای حق بودن). این تمایز همواره باید مورد توجه باشد: به ویژه آنکه وقتی ما از دیدگاه اسلام از حق داشتن فردی دفاع می کنیم با توجه به آنچه گفتیم، این دفاع تنها بیانگر حقانیت آن نمی باشد. (جوان آراسته، ۱۳۸۴: ص ۳۳ و ۳۴) اما حق به معنای دوم (حق داشتن) که می‌تواند در مقابل «تکلیف» قرار گیرد، محصول فکری جدیدی است که در پی تلاش‌های نظری و عملی آزادی خواهانه و برابری خواهانه انسان در دوران مدرن تولد یافته است. چنین تفکیکی در مفهوم حق، مسأله را در پیوندی عمیق با تفکیک بین مفهوم «ارزش یا خوب» قرار می‌دهد. بنابراین در معنای اول هنگامی که گفته می‌شود عملی «حق» است یعنی از منظر اخلاقی و بر اساس اصول محتوایی یک نظام اخلاقی خاص، مورد تأیید و قبول می‌باشد. برای نمونه اگر فردی در

مقابل این سؤال که آیا به یک فقیر کمک بکند یا نکند، تصمیم بگیرد که کمک کند و مطابق با آن تصمیم عمل نماید، عملی «خوب» و «اخلاقی» و «حق» انجام داده است. اما مفهوم «حق» در ترکیب «حق داشتن» با این معنا متفاوت است. در این معنای دوم «حق داشتن» به طور ضروری به معنای انجام عملی «خوب» و «اخلاقی» نیست. برای نمونه در همین مثال، اگر به کسی بگوییم حق کمک کردن داری به این معنا خواهد بود که تصمیم تو بر «کمک» هر کدام که باشد به صرف اینکه تصمیم تو بوده است از حمایت و تضمین برخوردار خواهد بود و تحت حمایت قضایی و سیاسی قرار می‌گیرد (گلدینگ، ۱۳۸۱: ص ۱۸۷-۱۸۶)

بنابراین وقتی شهروندان «حق آزادی بیان» دارند در اجرای آن حق (مادامی که به حقوق دیگران تجاوز نکنند) ممکن است مطالبی را بیان نمایند که از دیدگاه اخلاقی ویژه‌ای، مصداق یک «بیان بد یا خطا» باشد، به همان اندازه که ممکن است مطالبی را بیان نمایند که از دیدگاه اخلاقی خاصی، مصداق یک «بیان خوب یا درست» باشد. اما در هر دو صورت از حمایت‌های قضایی و سیاسی برخوردارند. بر چنین مبنایی فیلسوفان حق از «حق بر خطا بودن»<sup>۱</sup> سخن به میان می‌آورند (حق و نه تکلیف خطا کردن). (گلدینگ، ۱۳۸۱: ص ۱۸۷، قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲: ص ۱۸)

آنچه امروزه به عنوان تئوری حق و حقوق بنیادین انسان‌ها مشهور است و در نظام بین‌المللی حقوق بشر و اسناد مربوط به حقوق بشر از آنها سخن به میان آورده می‌شود تحت معنای دوم (یعنی حق داشتن) می‌چرخد و وجه ممیزه نظام حقوقی و اساسی مدرن تأمین حق همه شهروندان می‌باشد.

از نظر برخی حقوق دانان «حق، سلطه و اختیاری است که حقوق هر کشور به منظور حفظ منافع اشخاص به آنها می‌دهد.» (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ص ۱۶۱) از آنجا که حق امتیازی برای انسان در تمتع و بهره‌گیری از چیزی است، لازمه آن «اختصاص» است. حق ذی‌حق نسبت به بهره‌مندی از چیزی مانع بهره‌مندی دیگران می‌شود به همین جهت، چنین نفعی، اختصاص به ذی‌نفع دارد. «تکلیف» در برابر «حق» نوعی الزام و وظیفه‌ای است که مقام صلاحیت دار متوجه افراد می‌کند. از آنجا که تکلیفی که متوجه مکلف است معمولاً همراه با حقی است که برای دارنده حق در نظر گرفته می‌شود و از طرفی، بهره‌مندی از هر حقی برای فرد، ملازم با تکلیفی برای دیگران است، حق و تکلیف دو مفهوم متلازم و انفکاک‌ناپذیر از یکدیگرند. به این نکته نیز در ملازمه حق و تکلیف باید توجه نمود که تلازم حق و تکلیف، یک سویه نیست و تنها به این خلاصه نمی‌گردد که اگر حقی برای فردی (دارنده حق) ثابت شد لازمه اش تکلیف برای دیگران است، که آن حق را محترم شمارند. زیرا هر فرد در ازای حقوق و امتیازاتی که در جامعه برای او در نظر گرفته می‌شود، یک سلسله تکالیف و تعهدات نیز متوجه او می‌گردد. در روابط اجتماعی از این جهت نیز حقوق در برابر تکالیف قرار می‌گیرند و یک رابطه دو سویه را تشکیل می‌دهند. جامعه در قبال امتیازاتی که به هر فرد می‌دهد و حقوقی که برای او به رسمیت می‌شناسد از او نیز انتظار خدمت و انجام وظیفه دارد. حق و

---

۱. Right to be wrong